

**بکارگیری عملی "مکانیسم ماشه"، خطری که فلاکت . جنگ را
بر معیشت روزمره مردم ایران ، سایه افکن می کند !
امیرجواهری لنگرودی**

a.java99@gmail.com



پیشتر طی مقاله ای آوردیم: « مکانیسم ماشه ی اروپایی، تیر
خلاص جمهوری اسلامی بر پیکر طبقه ی کارگر ایران » (۱)
بار دیگر یاد آور می گردیم: قطعیت اعمال مکانیسم ماشه و
شرایط جنگی موجود در فضای اروپا و خاورمیانه، با
مصوبه شدن تحریم گسترده در شورای امنیت سازمان ملل
متحد برای ایران، خطر فلاکت و ورشکستگی همه جانبه
کل جامعه ما، منهای صف « کاسبان تحریم » و جانبداران
حمله نظامی به ایران را با خطر روبرو می سازد.

باید با صراحت اعلان داشت: با بکارگیری مکانیسم ماشه
توسط کل اروپا به همراه سیاست های تحمیلی تحریم های
امپریالیسم آمریکا و خطر درهم شکستن آتش بس شکننده
پیشین، زمینه تهاجم دیگر باره اسرائیل به ایران با

فروریزی همه جانبه زیرساخت های جامعه ، چیزی به نام جغرافیای ایران باقی نخواهد ماند .

پرسش اساسی اینستکه در داخل و خارج کشور چه کسانی برای بکارگیری سیاست «مکانیسم ماشه» هورا می کشند ؟

آنان که در بیرون مرزها برای ریزش دوباره بمب ها بر سر مردم ایران لحظه شماری می کنند و آنان که در داخل کشور تدارکچی هیزمِ تنورِ جنگ هستند، و هورا کش نتانیاهو و همه سینه زن تجاوزات اویند .

جانبداران سلطنت اند که با نفرت از انقلاب بهمن ۵۷ ، زیر هربهانه ای تلاش دارند با نفرت از انقلاب بهمن و سیاه نمایی، عملکردشان را توجیه می نمایند تا خود را "برانداز" معرفی کنند، همسویی و هم جہتی شان را نمی توانند پنهان سازند. هم اکنون همه گرایشات همسو در داخل و خارج از کشور در کنار کاسبان تحریم، فعال سازی مکانیسم ماشه را جشن گرفته اند و فلاکت و مُصیبت ناشی از فعال شدن تحریم های سازمان ملل، کمترین جایگاهی برایشان ندارد و کک شان هم نمی گزد .

در این میان گرایشی که غایتِ سیاسی اش، کسب نواله ای ناگزیر در همین نظام جهنمی اند یعنی عمدتاً اصلاح طلبان ورشکسته و مدعیان مبارزه خشونت پرهیز، که در ازای «حفاظت از ساختار سیاسی» موجود و حاکم، سینه میزنند و به تحولات تدریجی باور دارند. مرتباً با طرح شعار «اجماع ملی و نخبگانی» را پیش می کشند. پیام شان در درون دولت و بیرون از آن بعنوان سخنگو و ناجی کشور در برابر تهمم

جنگ طلبانه و اعمال سیاست "مکانیسم ماشه" روشن و ساده است:

ما را به بازی بگیرید و در سیاست شریک کنید، نقش و مقام بدهید تا مردم را پشت نظام و سیاست های کل نظام، در رویارویی کنونی با غرب بکشانیم، وگرنه زمین سوخته خواهید داشت.

هم اینان در صورت پذیرش اجماع مورد ادعای شان، مردم و مخصوصاً دهک‌های محروم و متوسط را به عنوان «منادیان انسجام و اتحاد» از کیسه ی خلیفه، به ساختار سیاسی حاکم و شخص ولی وقیع خامنه ای می فروشند.

این ادعاها تماماً از سرخواب و خیال است. چرا که برخلاف تصور بیانگران «اجماع ملی و نخبگانی»، تنها اتّحادی می تواند واقعا از تبدیل ایران به یک سرزمین سوخته جلوگیری کند که همزمان با مخالفت قاطع با متجاوزین خارجی، بر ریشه های فلاکت داخلی و تداوم تحریم ها و برخورد همه جانبه با کاسبان تحریم و سرمایه داری عنان گسیخته و چپاولگر اسلامی و شرخرهای رانت خوار و متجاوز به حقوق مردم، نظیر بابک زنجانی ها نیز دست بگذارند.

یعنی همان منطقی که می گوید: برای رهایی جامعه ما، جز سازمانیابی و گشایش جبهه قدرتمند مقاومت در برابر هر سطح تجاوز و فشار خارجی راهی نیست. چرا که تسلیم در گام نخست در هم شکستن کشور ایران و تجزیه آنرا بدنبال دارد.

هم اینان باید دریابند وقتی ایرانی نباشد، ریاست و کیاست و تخت نشینی و تاج برسر نهادن آنان و پادشاهی بر مملکت نداشته و سوخته ، بی معناست. اینان در داخل و خارج کشور با منافع یکسان و گاه مشترکی که دارند و آنرا از بدبختی مردم ارتزاق می کنند، شعار براندازی شان نیز از شکم سیری است . چرا که نمی توان با موشک و تجاوز و تحریم به آمال و آرزوهای مردم فرودست جامعه راه جست !

گروه دیگری که با مختصات باور به « محور مقاومت » ، یا « اصولگرایی » و اقتدارنمایی اسلام فقهی، اتحاد و انسجام مردم را بر محور حفظ غنی سازی اورانیوم و خود اتکایی اتمی کشور ، تعریف می کنند و همواره برآنند که برای ایستدگی در برابر هر نوع تجاوزی باید زیر پرچم نظام ولایت مطلقه فقیه ایستاد و سیاست های حضرت آقا را اعمال نمود .

سیاست هایی که طی این ۴۷ سال خود به عامل انهدام و ویرانی کشور و خانه خرابی اکثریت آحاد جامعه و مایه فلاکت و بدبختی مردم بدل شده و تمامی توده به گل نشسته و فلک زده آشکارا از این وجود نفرت دارند و همواره نابودی او را با شعار « مرگ بر دیکتاتور » ، فریاد می کشند

چه وظیفه ای روی دوش ما است ؟

ما در خارج کشور در برابر پیکارگران داخل کشور باید بگوییم : در شرایط فعلی یگانه راه فراهم ساختن ، اتحاد بزرگ سراسری دهک های پائینی جامعه زمانی موثر است

که با سازماندهی و سازمانیابی مبارزه ای همه جانبه کل
جمعیت میلیونی کارگران، تهیدستان، زنان، جوانان،
دانشجویان و استادان دانشگاهها، پرستاران
و مددکاران، معلمان و دانش آموزان و بازنشستگان،
دادخواهان، خلق‌های تحت ستم، زندانیان سیاسی و عقیدتی،
هنرمندان، نویسندگان، دگرباشان جنسی و کولبران و سوخت
بران و همه نیروهایی باشد که برای برابری، آزادی،
عدالت اجتماعی و سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی ایران
مبارزه می نمایند و بدور از انحصارطلبی نیروهای
ارتجاعی و ناسیونالیست های عظمت طلب، خود را در
برابر فشارهای خارجی، هر نوع دیکتاتوری تاج و عمامه و
در استقلال کامل از نخبگان طیف های چند سوی تحریم بر
کل جغرافیای ایران، به امر مبارزاتی خود ادامه دهند.
جمعه ۱۱ مهر ۱۴۰۴ برابر با ۳ اکتبر ۲۰۲۵.

منبع: